

فهرست مطالب

- سخن مترجم ۷
- سخنی با خواننده ۱۱
- پیش‌گفتار ۱۵
- ۱) مکان: بیت المقدس ۱۹
- مکان: بیت المقدس، زمان: حدود سال ۱۹۴۳ م. ۲۱
- ۲) مهاجرت ۲۷
- ۳) در انگلستان ۳۵
- ۴) در دانشگاه آمریکایی بیروت ۴۷
- ۵) در دانشگاه شیکاگو ۷۹
- ۶) جاحظ به مثابه پیشگام ۸۷
- ۷) بازگشت به دانشگاه ۱۰۹
- ۸) حضور در عرصه نشر ۱۱۷
- ۹) مقالات پراکنده ۱۳۵
- ۱۰) حضرت مسیح در میراث فرهنگی عربی اسلامی ۱۶۵

- ۱۱) اندیشه تاریخی در میان مسلمانان ۱۷۱
- ۱۲) ابن خلدون ۱۹۵
- یکم: واژه العبر (عبرت‌ها) ۱۹۸
- دوم: دیوان المبتدأ و الخبر (دفتر آغاز و پایان) ۱۹۹
- سوم: فی ایام العرب و العجم و البربر ۲۰۲
- چهارم: و من عاصرهم ۲۰۳
- پنجم: من ذوی السلطان الاکبر ۲۰۴
- ۱۳) بازخوانی تاریخ معاصر، خاطرات و یادداشت‌ها ۲۰۹
- ۱۴) سیمای پیامبر اسلام در میراث فکری مسلمانان ۲۲۵
- خاتمه ۲۶۳
- اعلام ۲۶۵
- کتاب‌نامه ۲۷۳

سخن مترجم

نام دکتر طریف خالدی، به دلیل پژوهش‌های ژرف و گسترده‌اش در عرصه تاریخ پژوهی و به‌ویژه تألیف کتاب *اندیشه تاریخ‌نگاری نزد مسلمانان؛ از قرآن تا مقدمه ابن خلدون* برای پژوهشگران این حوزه آشنا است. سال‌ها تحصیل و تحقیق و تدریس در مراکز علمی و آموزشی از اروپا و آمریکا گرفته تا خاورمیانه و زندگی در کانون‌هایی که رخدادهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بزرگی را از سرگذرانده‌اند، از وی شخصیتی ساخته است که چون پیرانه سرقلم به دست گیرد تا تجربه‌های کتاب‌خوانی و کتاب‌نویسی و در یک کلام زیستن با کتاب را بنگارد، تردیدی نباید کرد که انبوهی از اطلاعات ناب را در اختیار خواننده خواهد گذاشت.

او که خود را خلوت‌گزیده‌ای می‌داند که همواره در حاشیه روند عادی زندگی مردم و رخدادهای آن زیسته، در گفت‌وگویی از این دریغش سخن گفته که «در منابع مطالعاتی جهان عرب اندک کتابی را می‌توان یافت که زندگی طبقات فرودست جامعه را بازتاب بدهد» و این امید خود را پنهان نمی‌کند

که «کاش در هر زمانه‌ای، قصاب‌ها و کشاورزان و بازرگانان و مغازه‌دارها و کارگران کارخانه‌ها هم به نوشتن تاریخ زندگی خود می‌پرداختند» و انتظار دارد که «با رواج فرهنگ عکس‌های سلفی، فرهنگ نگارش زندگی‌نامه‌های خودنوشت هم گسترش یابد». شاید از همین رو معتقد است که اگر قرار باشد از زندگی خود بنویسد باید از کتاب بنویسد که تنها دغدغه او در زندگی است. این گونه است که کتابش را نه زیست‌نامه می‌داند و نه خاطرات و یادداشت‌های روزانه، که آن را *اَنَا و الکتُب* می‌نامد تا خود را همنشین همیشگی کتاب بخواند. وی از انگیزه‌اش برای نوشتن این کتاب از کسی که او را به این کار تشویق کرده و تا پایان پیگیر آن بوده و از الگویی که در نگارش این اثر بدان نظر داشته، بسی گویا سخن گفته است و تکرار آن در این مقدمه جایی ندارد، اما بازگویی این باور وی در باب منابع مطالعاتی علوم انسانی شایسته است، آن‌جا که می‌گوید «وقتی از اندیشه نقادانه سخن می‌گوییم از این سخن می‌گوییم که تدریس دانش‌هایی نظیر ادبیات و تاریخ و فلسفه و علوم اجتماعی در همه دانشکده‌ها، ناگزیر به پرورش زنان و مردان پزشک و مهندس و اقتصاددانی می‌انجامد که می‌توانند نقادانه بیندیشند، منطقی تحلیل کنند و خلاقانه به تخیل پردازند؛ فرایندی که در نهایت، به استنباطی درست و سریع برای حل مشکلات پیش‌روی آنان خواهد انجامید».

خالدی، که تبارش همه اهل دانش و عالمانی برجسته‌اند، پس از سال‌ها نگاشتن به انگلیسی، این بار تازه‌ترین کتابش را شاید از این رو به زبان عربی نوشته باشد که اکنون می‌خواهد

مخاطبان را با فضای زادگاهش فلسطین و حال و هوای کشوری که نوجوانی اش را در آن گذرانده یعنی لبنان آشنا کند و بیش از منابع و مصادر غربی، به کتابندگان عرب، از نویسنده تا مترجم نظر دارد؛ او بر آن است که از یک سو با جوانانی سخن بگوید که در سودای خواندن و آموختن سر می‌کنند و از دیگر سو، روی سخن را با دانشگاهیانی کند که انتظار دارد آنان هم «پس از رسیدن به سن بازنشستگی، همین راه را پیمایند و کتاب‌های شایانی را که در طول زندگی علمی خود با آنها روبه‌رو بوده‌اند معرفی کنند، تا میراثی را که امروز در نتیجه بی‌توجهی و فراموشی و جهل ادبی و زبانی، در معرض نابودی قرار گرفته است، بیشتر بشناسیم».

از این اثر که بگذریم، دیگر کتابی که از وی به فارسی برگشته، *انجیل به روایات مسلمانان* با ترجمه استاد ارجمند دکتر منصور معتمدی است که آن هم با همت بلند انتشارات هرمس به چاپ رسیده و نشان از گستردگی دانش و بینش نویسنده‌ای دارد که همواره کوشیده است تا با نگاهی تاریخی در پی منابع مطالعاتی باشد. پدرش احمد سمیح خالدی از ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۸ رئیس دانشکده عربی بیت المقدس بوده، مادر لبنانی اش عنبره سلام مترجم و فعال حوزه مطالعات زنان، برادرش ولید تاریخ‌نگار، خواهرش رنده نمایشنامه‌نویس و فعال سیاسی و او خود زاده ۱۹۳۸ در بیت المقدس، مهاجر به بیروت در ۱۹۴۸، دانش‌آموخته رشته مطالعات کلاسیک در انگلستان در ۱۹۵۲، کارشناس تاریخ جدید آکسفورد در ۱۹۶۰، کارشناس ارشد در ۱۹۶۳ و استاد رشته مطالعات فرهنگی

دانشگاه آمریکایی بیروت تا ۱۹۶۶ و دارنده نشان دکتری مطالعات اسلامی دانشگاه شیکاگو در ۱۹۷۰ و استادیار گروه تاریخ دانشگاه آمریکایی بیروت در ۱۹۷۱ و صاحب کرسی مرکز مطالعات عربی و خاورمیانه در همان دانشگاه تا کنون.

داوری در بارهٔ انبوه داده‌های آمده در این کتاب را به خواننده وا می‌گذارم و تنها به افزودن این نکته بسنده می‌کنم که همهٔ یادداشت‌های آمده در پانوشت صفحات، افزوده‌های مترجم است که برای آگاهی بیشتر خوانندهٔ فارسی‌زبان با منابع یادشده در متن، گردآوری شده است.

آنچه باید افزود، نخست، سپاس فراوان از دوستان فرهیخته ام آقایان دکتر منصور معتمدی و دکتر حسین صابری اساتید گرانقدر دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد است که این اثر را پیش از چاپ از نظر گذرانده و نکته‌های ارزنده‌ای را گوشزد کرده‌اند و سپس تشکر از مدیران دانش پرور نشر هرمس و به ویژه مدیر فرهیخته اش جناب آقای کارد که پس از عرضهٔ کتاب دیگری از خالدی، این اثر را نیز در شمار انتشارات خود پذیرفتند. امیدوارم که آرزوهای نویسنده در باب نگارش کتاب‌هایی مشابه این اثر، در میان جامعهٔ علمی کشور ما نیز برآورده شود.

سخنی با خواننده

برای کتابی که شاید بتوان نامش را «زیستن با کتاب» گذاشت، باید پیش‌درآمدی نوشت. زیست‌نامه‌ای است به قلم استادی بازنشسته که از کودکی تا کهنسالی با کتاب‌ها و نویسندگانشان ماجراها داشته است. زندگی از خانه‌ای شروع می‌شود با دیوارهایی پوشیده از کتاب و پدر و مادری که بیشترین خاطرات دوران کودکی‌اش از کتابخوانی آنها است و شاید به کتاب و نوشتن و تصحیح متن سخنرانی‌ها و مقاله‌ها و کتاب‌های هم‌دیگر بیشتر توجه داشته‌اند تا مراقبت از فرزندی که در لابه‌لای درختان باغچه‌های دور و بر خانه این سووآن سومی دویده است. خانه‌ای دنج بر فراز کوه مُکبَر، مُشرف به بیت‌المقدس، همان کوهی که عمر بر آن ایستاد و رو به قدس تکبیر سرداد. از عنفوان کودکی کتاب‌گرداگرد او را

۱. روستایی در جنوب شرقی بیت‌المقدس که به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش در اشرف بر آن شهر همواره مورد توجه بوده و گفته‌اند که نقشه به صلیب کشیدن مسیح در خانه‌ای واقع در همان منطقه کشیده شده و از همین رو، در آغاز به «تپه مؤامره» (به معنای توطئه) معروف بوده است، اما از سال ۱۵ هجری / ۶۳۷ میلادی، که این سرزمین به دست مسلمانان گشوده شد و عمر بن خطاب بر فراز آن ایستاد و تکبیر داد و کلید آن را از پاتریارک سفرونیوس Sophronius گرفت، آن را «جبل مکبَر» نامیده‌اند.

گرفته بود و به کتاب آسان‌تر دست می‌یافت تا بوسه‌های پدر. گوشِ کودکیِ او هم مثل همهٔ مردمان فلسطین، پیش و پس از نابودی وطن، پر بود از نصیحت به فراگیریِ دانش.

پیدا است که این سرگذشت‌نامه، همهٔ آن کتاب‌هایی را که او خوانده یا حتی کتاب‌هایی را که در فکر و ذهن و روح وی اثر گذاشته در بر ندارد، بلکه بیشتر گزارش کتاب‌هایی است که در مسیر رشتهٔ دانشگاهی خود، یعنی تاریخ تمدن عرب با نگاه به دیگر تمدن‌های مربوط، با آنها روبه‌رو بوده است. بنابراین، اگر خواننده در این کتاب‌گونه با خلأهای عمیقی روبه‌رو شد، باید بداند که نویسنده نمی‌تواند جز تنگی مجال یا فراموشی، برای آن عذری بترشد و نهایت آرزوی این است که این اثر کتاب‌دوستان را وادارد تا آنان نیز تجربه‌های زیستهٔ خود با کتاب را به نگارش در آورند و در نتیجه، با گذشت زمان، کارنامه‌ای از برخوردهای همیشگی میراث گذشته و آینده پدیدار شود.

آنچه می‌ماند سپاس از کسانی است که به این کتاب جان بخشیدند و نخستین خوانندگان و مشوقان آن شدند: فرزندانم: علیّه^۱ و محمدعلی، دوستان عزیزم خانم میسون سکرکیه و آقای خالد فراج^۲، همکار و دوستم فواز طرابلسی^۳

۱. علیّه خالدی استاد تاریخ تئاتر عربی در دانشگاه آمریکایی بیروت از سال ۲۰۱۰، که تا کنون چندین تئاتر را کارگردانی کرده و نمایشنامه‌ای با عنوان *عنبیره* در شرح زندگانی مادر بزرگش، *عنبیر سلام*، را که در بخش‌های بعدی از او خواهیم نوشت، بر صحنه برده است.

۲. مدیرعامل و عضو کمیته تحقیقات مؤسسه مطالعات فلسطین، دارای تحقیقات متعدد پیرامون شهرها و اردوگاه‌های فلسطین و از اعضای هیئت تحریریهٔ *مجله الدراسات الفلسطينية*.

۳. دکتر فواز طرابلسی متولد ۱۹۴۱، از رهبران کمونیست لبنان که در سال ۱۹۸۴،

که آن را در چند شماره از مجله ارزشمند فرهنگی اش *بدایات*^۱ منتشر کرد، دوستم ابراهیم امین^۲ که یک بخش از آن را در *روزنامه الاخبار*^۳ به چاپ رساند و سلیم تماری^۴ عزیز که از سر لطف، گزیده‌ای از آن را در مجله انگلیسی‌زبان *جرورالم کوارترلی*^۵ عرضه کرد. این عزیزان همگی پدران و مادران معنوی این کتاب هستند و چون «جرم شریک کمتر از مجرم اصلی نیست»، به راستی که بخشی از مسئولیت محتوای این کتاب با آنها است. در گام آخر این ماجرا، با لطف دوست عزیزم خالد المعالی^۶، پیشنهاد چاپ این نوشته‌ها در

کار سیاسی را رها کرد و برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و از دانشگاه پاریس دکترای تاریخ گرفت و اینک در دانشگاه آمریکایی بیروت مشغول کار است و به فعالیت‌های مطبوعاتی نیز می‌پردازد.

۱. فصلنامه‌ای فرهنگی که فواز طرابلسی متفکر چپ‌گرای لبنانی آن را سردبیری می‌کند و در هر شماره پرونده خاصی را می‌گشاید.

۲. روزنامه‌نگار سابقاً کمونیست لبنانی که از زمان کار در *روزنامه السفیر* به حزب الله نزدیک بوده است و از مواضع سوریه و میشل عون طرفداری می‌کند، اما از یک سو با خاندان حریری و از سوی دیگر با جنبش امل سرناسازگاری دارد و با شدت و صراحت منتقد امام موسی صدر است.

۳. در سال ۱۹۵۳م. شرکتی با نام اخبار بیروت تأسیس شد و مجوز انتشار روزنامه‌ای با نام *الاخبار* را نیز گرفت که خبری از انتشار آن نبود. از سال ۲۰۰۶ جوزف سماحه با استفاده از همان مجوز، به راه‌اندازی این روزنامه پرداخت و انتشار آن با مدیر مسئولی و سردبیری ابراهیم الامین به صورت روزانه آغاز شد که هنوز هم انتشار آن با بهره‌گیری از روزنامه‌نگاران جوان و رویکردی اجتماعی ادامه دارد.

۴. محقق ارشد مؤسسه مطالعات فلسطین در رام الله و سردبیر *جرورالم کوارترلی*، دارای دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه منچستر و استاد جامعه‌شناسی دانشگاه بیرزیت در فلسطین. استاد مدعو در دانشگاه کلمبیا از ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ و استاد مدعو در دانشگاه قدس. نویسنده کتاب‌های متعدد درباره تاریخ فلسطین

۵. *Jerusalem Quarterly* فصلنامه‌ای علمی به زبان انگلیسی پیرامون مسائل اجتماعی و فرهنگی فلسطین که از سال ۱۹۹۸ از سوی مؤسسه مطالعات فلسطین در رام الله منتشر می‌شود و تاکنون ۸۴ شماره از آن انتشار یافته است.

۶. شاعر و روزنامه‌نگار و مترجم آثار ادبی، متولد ۱۹۵۶ در سماوه عراق و بنیانگذار انتشارات الجمل در آلمان.

منشورات الجمل^۱ مطرح شد که من با خرسندی و تشکر
بلافاصله آن را پذیرفتم.

در پایان، باید نامی هم از ماجده ببرم، که گرچه از آوردن
اسمش در این کتاب ابا دارد، ولی بخواهد یا نخواهد، اعتراف
به نقش او وظیفه‌ای است که نمی‌توان از آن سرپیچید، چرا که
اگر در را بر روی من نبسته بود و مرا به نوشتن و انمی داشت، این
کتاب هرگز رنگ چاپ را به خود نمی‌دید.

طریف خالدی

بلندی‌های کسروان

دوم اوت ۲۰۱۷

۱. انتشارات الجمل سال ۱۹۸۳ به همت خالد المعالی، در شهر کلن آلمان فعالیت
خود را شروع کرد و از آن تاریخ تا کنون به نشر کتاب‌های عربی و آثار ترجمه‌شده به
این زبان می‌پردازد و اخیراً فعالیت اصلی آن به بغداد انتقال یافته است.

پیش‌گفتار

در طول عمر خود، مدت زمانی را که با کتاب سر کرده‌ام خیلی بیش از زمانی بوده که با مردم گذرانده‌ام؛ دلیلش شاید این باشد که در کتاب به آرامشی رسیده‌ام که با بیشتر مردم به آن دست نیافته‌ام. بنابراین، اکنون دوستانی اندک اما کتاب‌های بسیار دارم که به آنها عشق می‌ورزم. سال‌های عمر من سپری شد و جهان حقیقی من جهان خواندن بود و نوشتن. فخرالدین رازی^۱ در توصیف اخلاق پیری به نکاتی اشاره می‌کند که از آن جمله، تردید در بیشتر شنیده‌ها، پرهیز از داوری‌های قاطعانه، ترس و هراس و دورنگری و شهوت خوردن و بی‌پروایی و خشمناکی و عشق به تندرستی است. نمی‌دانم که من اینک به کدام یک از این خوی‌ها آراسته‌ام، اما به این نکته رسیده‌ام که بعضی از آنها توصیف روانی موشکافانه‌ای از اخلاق پیری است و شک ندارم که تردید و پرهیز از داوری قطعی و دورنگری، بیشتر برخاسته از تجربه‌ای است که از همنشینی با کتاب به دست می‌آید که

۱. محمد بن عمر فخر رازی (زاده ۴۵۳ ق. در شهری و درگذشته ۶۰۶ ق. در هرات) متکلم، فقیه و مفسر. مشهورترین اثر او «مفاتیح الغیب» در تفسیر قرآن است.

اگر کتاب تنها همین بهره را داشته باشد، بهره‌ای بس ژرف و اثرگذار است. برای آشنایی با دیگر بهره‌های کتاب، سخنی بهتر و مفیدتر و تیزبینانه‌تر از بخش آغازین کتاب *الحيوان* جاحظ^۱ نیست، که خواننده را بدان ارجاع دهم.

ناگزیرم اعتراف کنم که در نگارش این خاطرات مستقیماً از چندین کتاب الهام گرفته‌ام؛ آخرین آنها اثری است مربوط به سال ۲۰۱۴ با عنوان *پروفسور غیرمنتظره؛ زندگی در آکسفورد*^۲ نوشته جان کاری^۳ دانشور منتقد انگلیسی که در آن زندگی ادبی خود را شرح داده و کتاب‌هایی را که در اندیشه‌ورزی و ژرف‌بینی او تأثیر گذاشته معرفی کرده است؛ این کتاب را دخترم^۴، که او هم استاد دانشگاه است، به من هدیه داد و چون ایده نویسنده را پسندیدم، از من خواست که من هم در همان مسیر گام بردارم، اما انسانی که بیشتر عمرش را در پژوهش و آموزش و نگارش علمی سپری کرده، معمولاً در حاشیه روندهای زندگی مردم و حوادث و رخدادها می‌زیسته است. بنابراین اگر در خاطرات زندگی چنین خلوت‌گزیده‌ای فایده‌ای هم باشد، تنها در معرفی کتاب‌ها

۱. ابوعثمان عمرو بن بحر، مشهور به جاحظ (۱۵۰ یا ۱۶۵ - ۲۵۵ ق.). متکلم و ادیب اهل بصره و دارای آثار تألیفی فراوان. در بخش‌های بعدی این کتاب از وی بسیار سخن گفته خواهد شد.

۲. *The Unexpected Professor: An Oxford Life in Books*. نخستین بار در سال ۲۰۱۴ از سوی Faber & Faber در لندن به چاپ رسیده است.

۳. John Carey متولد ۱۹۳۴ در لندن، روزنامه‌نگار، منتقد ادبی و استاد دانشگاه و عضو اتحادیه سلطنتی ادبیات. کتاب وی با عنوان *شکل‌گیری افکار صوفیانه در قلمرو امپراطوری عثمانی* در هجدهمین جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

۴. علیة خالدی، که شرح حالش گذشت.

و دیدگاه‌هایی است که وی در طول سال‌ها، فکر خود را با آنها درگیر کرده است، اما خاطرات دیگرش شاید فقط به کار فرزندان و نوه‌ها و بعضی از دوستان نزدیکش بیاید و بس، تازه، آن هم اگربرایشان اهمیتی داشته باشد.

١

مكان: بيت المقدس

مکان: بیت المقدس زمان: حدود سال ۱۹۴۳ م.

فکر کنم پنج ساله بودم که آموزش خواندن را شروع کردم. اولین کتابی که خواندم در میان کتاب‌های آن زمان استثنا بود، چرا نویسنده‌اش با استناد به یک روش نوین آموزشی اعتقاد داشت که کودک نوآموز به جای حروف الفبا باید شکل کامل واژه‌ها را فرا بگیرد. نمی‌دانم که آیا این نظریه از غرب آمده بود یا نه، ولی چندی بعد، از مادرم شنیدم که خلیل سکاکی^۱ دانشمند بزرگ فلسطینی با کمک پدرم این نظریه را برای استفاده بهتر کودکان عرب بومی‌سازی و کامل کرده است. سکاکی از برجسته‌ترین نویسندگان فلسطینی است و کتاب خاطراتش با نام *من همین‌ام، ای دنیا*^۲ از مهم‌ترین و پربارترین خاطره‌نویسی‌های جهان عرب در قرن بیستم به شمار می‌رود. او تاریخ نیمه اول قرن بیستم فلسطین را به شکل روزشماری

۱. خلیل سکاکی (۱۸۷۸ - ۱۹۵۳ م.) ادیب مسیحی فلسطینی و از پیشگامان آموزش و پرورش نوین در جهان عرب.

۲. *کذا/آنا یا دنیا* روزنوشته‌های سکاکی از سال ۱۹۰۷ تا ۱۹۵۳ است که تصویری روشن از زندگی در فلسطین و اوضاع فرهنگی جهان عرب را ارائه می‌دهد و در آن دیدگاه خود پیرامون حاکمیت عثمانی و قیمومیت بریتانیا و صهیونیسم را منعکس می‌کند و به معرفی کتاب‌هایی که مورد توجه او بوده و تحلیل شخصیت‌هایی که با آنها دیدار کرده می‌پردازد.

آمیخته با طنز بازنویسی کرده و چهره روشنی از زندگی مردان و زنان و شخصیت‌ها و روشنفکران جامعه فلسطین آن دوره را به ما نشان داده است.

باری، به کتابی برگردم که آن زمان در مدارس فلسطین پخش شده بود و اولین واژه‌هایی که فرا گرفتم، «راس، روس» و «دار، دور» بود. پس از آن به واژه‌های چهارحرفی رسیدیم و از آن میان، کلمات «وادی» و «ساری» را به یاد دارم. به فاصله اندکی، خواندن به شیرین‌ترین لذت ما بدل شد، به خصوص وقتی به نخستین داستان کتاب رسیدیم و در آن خواندیم که: «آه... زولیبای حلب چه خوشمزه است!»، «از آنها خورده‌ای؟»، «نه، ولی معلم من خورده و گفته که مزه خوبی دارد.» ها ها ها!

لذت من وقتی بیشتر شد که توانستم تیترو زمانه‌های فلسطین^۱ و الدفاع^۲ را که به خانه ما می‌آوردند بخوانم. تیتراها مربوط به اخبار جنگ جهانی دوم بود که برایم اهمیت چندانی نداشت، به جای آن دنبال اخبار ماجراجویی‌های سالواتوره جولیانو^۳، تبهکار سیسیلی بودم که در پیچ‌وخم کوه‌های جزیره سیسیل، جنگ و گریز شگفت‌انگیزی با پلیس ایتالیا داشت.

۱. از قدیمی‌ترین و پرتیراژترین نشریات فلسطین که انتشار آن از سال ۱۹۱۱ تا سال ۱۹۶۷ ادامه یافت.

۲. از معروف‌ترین نشریات فلسطین که چاپ آن از سال ۱۹۳۴ در شهر یافا، مهم‌ترین کانون فرهنگی و ادبی فلسطین، آغاز شد و پس از کش و قوس‌های فراوان، سرانجام در سال ۱۹۶۷ با دستور دولت اردن از ادامه انتشار به شکل گذشته خود باز ماند.

۳. Salvatore Giuliano (۱۹۲۲-۱۹۵۰ م). راهزن و یاغی سیسیلی اهل ایتالیا که برای انجام کارهایش، گروهی را در اختیار گرفته بود و از حمله به پلیس‌هایی که در تعقیبش بودند، ابایی نداشت. حدود دویست سرباز و افسر پلیس سال‌ها به دنبال دستگیری او بودند، اما در نهایت به دست یکی از همکاران و دوستان نزدیکش به قتل رسید.

گویا شیفتگی کودکانه‌ام به تبهکاران مدت‌ها به درازا کشیده است، چون همین چند سال پیش هم تحقیق مشترکی دربارهٔ ملحم قاسم^۱، شورشی مشهور درّهٔ بقاع را به پایان بردم و البته باید اعتراف کنم که سهم بیشتر در آن پژوهش، مربوط به همکارم خانم دکتر میسون سگریه است.

اولین کتابی که خواندم داستان‌های کامل کیلانی^۲ نویسندهٔ مصری بود که از پیشگامان داستان‌نویسی کودکان در جهان عرب است و با پدرم دوستی داشت. کتاب‌های او سال‌ها با من بود. او از میان انبوه قصه‌های جهان نمونه‌هایی را برمی‌گزید و آنها را با زبانی ساده و جملاتی شیوا به نگارش درمی‌آورد. هنوز داستان بلبل و گل سرخ و اندوهی را که از خواندنش بردلم نشست، به یاد دارم. بلبل با خاری که به سینه‌اش فرو کرد، جان خود را گذاشت تا گلی با رنگ سرخ را به محبوبش که به آن نیاز داشت ارزانی کند، بعدها فهمیدم که این یکی از داستان‌های اسکار وایلد^۳ است.

اولین مدرسه‌ام «مدرسهٔ امت» بود و رئیس آن سُکری حرامی، مربی برجستهٔ فلسطینی که یک چشم غره‌اش برای ساکت کردن پرسروصداترین کلاس‌ها کفایت می‌کرد. او به ما تاریخ درس می‌داد و چه بسا از همان دوران که برای

۱. ابوعلی ملحم قاسم مصری، از عیاران منطقه بقاع لبنان بود که در سال ۱۹۱۸ به هنگام گریختن سربازان جمال پاشای ترکی به آنان یورش برد و سلاح و آذوقهٔ آنان را گرفت و بین گرسنگان منطقهٔ خود تقسیم کرد و از آن پس، نامش به عنوان ضرب‌المثل آورده می‌شود.

۲. کامل کیلانی (۱۸۹۷-۱۹۵۹ م.) نویسندهٔ مصری که آثاری فراوانی در حوزهٔ ادبیات کودکان نوشت و داستان‌هایش به زبان‌های گوناگون ترجمه شده است.

۳. Oscar Wilde (زاده ۱۸۵۴ در دوبلین ایرلند و درگذشته ۱۹۰۰ م. پاریس) شاعرو نویسندهٔ نمایش و داستان کوتاه.

جلب رضایت او تلاش زیادی می‌کردم، تاریخ رشته مورد علاقه من شده باشد. دل‌بستگی‌ام به تاریخ سبب شد که از کامل کیلانی به جرجی زیدان^۱ رو بیاورم و همهٔ رمان‌های او، از عباسه خواهر هارون الرشید^۲ و امین و مأمون^۳ و فتح اندلس^۴ تا آخرین مملوک^۵ و صلاح الدین و بنگیان^۶ و دیگر داستان‌های او را که نام همهٔ آنها در خاطر من مانده است، با جان و دل بخوانم. شک ندارم که یک نسل کامل از جوانان عرب با آن داستان‌های جذاب زندگی کرده‌اند، داستان‌هایی که به تاریخ عرب جان بخشیده‌اند و شخصیت‌هایی در آنها به نقش‌آفرینی پرداخته‌اند که انسان خوش دارد آنان را ببیند و حس کند و با آنها سخن بگوید و شادی‌هایشان او را به وجد آورد و با فقدان‌شان بگریزد. رمان‌های او پرجنب و جوش، با چفت‌وبست زمانی و مکانی درست و صحنه‌هایی نفس‌گیر و پیاپی همانند تصویرپردازی فیلم‌های سینمایی

-
۱. جرجی زیدان (زاده ۱۸۶۱ لبنان و درگذشته ۱۹۱۴ قاهره) تاریخ‌نویس و روزنامه‌نگار و داستان‌سرای پرآوازهٔ عرب.
 ۲. این کتاب را مرحوم محمد تقی شریعتی مزینانی به فارسی ترجمه و نخست به صورت پاورقی در روزنامهٔ آزادی مشهد، سپس در سال ۱۳۲۹ ش. در انتشارات باستان مشهد به چاپ رسیده است.
 ۳. این کتاب نخستین بار به همت عبدالحمید اشراق خاوری به فارسی ترجمه شده و سال ۱۳۳۰ ش. از سوی انتشارات ارمغان به چاپ رسیده و پس از آن نیز به کوشش مترجمان و ناشران دیگر عرضه شده است.
 ۴. این کتاب را محمدعلی شیرازی به فارسی ترجمه کرده و بار اول در سال ۱۳۲۴ ش. از سوی انتشارات ماه نو در قطع جیبی انتشار یافته است.
 ۵. نام اصلی این کتاب المملوک الشارد است و ترجمهٔ فارسی آن با همت سه تن از مترجمان یعنی مهدی مقدسی نیا، مصطفی جوانرودی و محسن سیفی صورت گرفته و در سال ۱۳۸۴ ش. در انتشارات مصفاى الوند تهران چاپ شده است.
 ۶. نام عربی این کتاب صلاح الدین و مکائد الحشاشین است و در سال ۱۳۰۴ ش. با ترجمهٔ فارسی مرحوم مجتبی مینوی در دو جلد از سوی کتابخانهٔ شرق در تهران چاپ شده است.

بود و حتی در وقت ناهار و خواب هم کسی نمی‌توانست آنها را رها کند. اطلاع ندارم که آیا دربارهٔ این داستان‌ها پژوهش ادبی عمیقی صورت گرفته است یا نه، اما معتقدم که برای آشنایی با جادوی شگفت‌انگیزی که زیدان داستان‌هایش را با آن آمیخته بود، این تحقیق کاری بایسته است. به دنبال این نیستم که تاریخی بودن یا نبودن این داستان‌ها را ثابت کنم و سرچشمهٔ آنها را که شاید رمان‌های تاریخی غرب نظیر کتاب‌های سِر والتر اسکات^۱ و دیگران باشد بشناسم، ولی بی‌تردید نوآوری زیدان در به‌روزرسانی رخدادهای گذشته بر ابداع والتر اسکات می‌چربد، زیرا من پس از آن کتاب‌های اسکات را هم خوانده‌ام و دیده‌ام که چقدر طولانی و خسته‌کننده است و برای پیگیری آنها باید بسی تمرکز داشت و حوصله به خرج داد.

۱. Sir Walter Scott (۱۷۷۱-۱۸۳۲ م.) شاعر و نویسندهٔ اسکاتلندی و از برجسته‌ترین چهره‌های رمانتیسیم بریتانیا که با عنوان پدر رمان تاریخی شهرت دارد.

۲

مهاجرت

